

بررسی موقعیت ازدواج حضرت خدیجه (س) در تاریخ

زینب جهانیان^۱

چکیده

بررسی و نقد موقعیت ازدواج حضرت خدیجه (س) در تاریخ، از جمله فاکتورهای مؤثر برای بی‌اثرکردن روایات نادرست، درباره شخصیت این زن گرامی است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در صدد است که روایات نادرست درباره حضرت خدیجه (س) را نقد و بررسی و رد کند. این امر با مراجعه به کتاب‌های اصیل تاریخی و روایی، قابل دسترسی و اصلاح است. در این مقاله به نحوه آشنایی حضرت خدیجه (س) با پیامبر اکرم (ص)، مراسم ازدواج و باکره‌بودن یا بیوه‌بودن و سن ایشان و همین‌طور نظر برخی ناقلان دروغین، درباره ازدواج حضرت خدیجه (س) مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. نتایج به دست آمده از این قرار است: در مجامع روایی عامه و خاصه، روایات متعددی در باب فضایل و مناقب حضرت خدیجه کبری (س) وارد شده است، اما از جمله مظلومیت‌های آن حضرت این است که دشمنان، بعضی از احادیث مربوط به این بانوی بزرگوار را تحریف کرده‌اند. همچنین برخی مورخان اهل تسنن برای اینکه همسر محبوب پیامبر را عایشه معرفی کنند، باعث ایجاد روایات نادرست و تحریف روایات درست درباره این بانوی گرامی شدند.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، حضرت محمد (ص)، ازدواج، باکره.

^۱. طلبه سطح دو، zeinab8074zm@gmail.com

مقدمه

«مقام و شخصیت حضرت خدیجه (س)، با معیارهای عادی قابل سنجش نیست و چنان عظیم است که بارها سلام خاص ربوبی توسط جبرئیل به ایشان رسیده و وی را به پاداش عظیم وعده داده‌اند و هیچ کس دیگری، اعم از گذشتگان یل معاصرینش یا از اصحاب رسول خدا (ص) بدان مقام نرسیده‌اند!» (بخاری، ج ۶، ص ۱۲۲) «پدرایشان خویلد بن اسد و مادرشان فاطمه بود که سه فرزند به نام‌های عوام، هاله و خدیجه (س) داشت. خدیجه (س) در سال ۶۸ قبل هجرت در مکه متولد شد. و از خاندان بنی اسد، از خاندان‌های قبیله قریش بود. او از زنان بزرگ و مشهور قریش به شمار میرفت. در دوره جاهلیت که زن پاکدامن کم بود و بسیاری از زنان به کج روی‌های دوران جاهلی آلوده بودند، خدیجه (س) به سبب پاکی در همه زمینه‌ها، به طاهره (پاک سرشت و پاک روش) مشهور بود. تاریخ نویسان او را بانویی شریف و بسیار پول دار دانسته‌اند و بر اساس روایات تاریخی، خدیجه (س) از زیبا ترین زنان قریش به شمار میرفت. به سبب، کمالات خدیجه (س) همه خویشاوندان، شیفته او بودند و همه بزرگان قریش از او خواستگاری کردند ولی خدیجه (س) پیشنهاد هیچ یک از خواستگاران را نپذیرفت.» (خادمی و نامدار مقدم، ۱۳۸۷، ص ۳۱) ولی بسیاری از منافقین دست به تحریف در تاریخ زندگی حضرت خدیجه (س) زدند! به وضوح روشن است که اقدامات آنان در این شرایط، چه نتایج مخربی میتواندست به دنبال داشته باشد. آنان با نشر اکاذب درباره سن و بیوه بودن ایشان و نسبت دادن بچه‌هایی به حضرت خدیجه (س) قبل ازدواج با پیامبر اکرم و رسوخ دادن آن به درون تاریخ، سعی در مخدوش کردن چهره این بانوی بزرگوار داشتند. به گونه‌ای ماهرانه این کار را انجام دادند که در مراحل نخست، هر شخصی سر تسلیم مقابل آن فرود می‌آورد، اما غافل از این مسئله بودند که بعضی از این تحریفات، با مسلمات اعتقادی همین طور اسناد تاریخی مغایرت دارد و پیروان مکتب اهل بیت (ع) به علت اتصال به ائمه اطهار (ع)، از چنان استغنائی اعتقادی برخوردارند که اگر هزار دلیل تاریخی خلاف اعتقادات آنان وجود داشته باشد، کنار زدن آن را آسان و سهل می‌بینند! پس در نظر آنان، این گونه نمی‌باشد که تنها ورود یک مطلب در تاریخ، دلالت بر حقیقت آن مطلب نیز داشته و هر چه مخالف بود رد می‌کنند و هدف از این پژوهش این است که بدانیم شرایط حضرت خدیجه (س) در زمان ازدواج چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق:

در مقاله پژوهشی سیمای حضرت خدیجه (س) در تاریخ‌نگاری متقدم سنی (سنجش روایت‌های ابن سعد «۲۳۰ هجری قمری») به نویسندگی؛ مجتبی سلطانی احمدی، سارا خاتمی، مصطفی گوهری فخر ابادی در سال (۱۳۹۹) به طور مفصل درباره سن حضرت خدیجه (س) و نحوه ازدواج وی با پیامبر اکرم (ص) از نظر ابن سعد، را در کتاب الطبقات الکبری، تالیف محمد ابن سعد بصری را مورد بررسی قرار داده‌اند. و همین

طور روایات نادرستی که در این کتاب آمده را، مورد نقد و بررسی قرار میدهند و در فصل‌های بعدی درباره عایشه که در این کتاب به عنوان همسر برتر پیامبر (ص) معرفی شده است را مورد نقد قرار می‌دهند.

در مقاله بازخوانی شخصیت حضرت خدیجه (س) در منابع اهل سنت به نویسندگی؛ معصومه بهرامی در موضوع علوم اجتماعی در سال (۱۳۹۸) شماره ۱۳۰، درباره کوتاهی، که کتاب‌های اهل سنت درباره شخصیت حضرت خدیجه (س) انجام داده‌اند و همین طور به دلیل تعصبات کورکورانه کم لطفی‌های در مورد ایشان داشته‌اند را مورد نقد و بررسی قرار میدهد. و در مورد زندگی حضرت خدیجه (س) و شخصیت ایشان را به روش تحلیلی و توصیفی از زوایای مختلف را بررسی میکند.

در مقاله تحلیل ازدواج رسول خدا (ص) با خدیجه کبری (س) بر اساس اخبار تاریخی از نشریه جامعه الزهرا (س) به نویسندگی؛ فرزانه حکیم زاده در سال (۱۳۹۷/۱۰/۱) به شماره ۱۲۸، به معرفی شخصیت حضرت خدیجه می‌پردازد همین طور به تبیین علل حقیقی ازدواج پیامبر (ص) با حضرت خدیجه (س) و علت انتخاب ایشان از طرف پیامبر (ص) را مورد بررسی قرار میدهد. و همین طور، به این شبهه که پیامب (ص) به دلیل پول حضرت خدیجه (س) با ایشان ازدواج کرده پاسخ میدهد. در منابع ذکر شده به معرفی شخصیت حضرت خدیجه (س)، و پاسخ بسیاری از شبهات را داده‌اند. اما درباره موقعیت ازدواج حضرت خدیجه تا الان مورد بحث و پژوهش قرار نگرفته است در این مقاله پژوهشی قرار بر این است که، این موضوعات را بر اساس کتاب‌های تاریخی معتبر بررسی کنیم و به رد برخی نظرات و روایات نادرست در مورد، شخصیت بزرگ این بانوی گرامی بپردازیم.

مفاهیم واژگان:

باکره: از نظر لغوی به معنای دختر و دوشیزه است. و در زبان عربی معادل واژه (عذرا) است «از ریشه بکر به معنای هر چیزی تازه و نو، ابتدا و آغاز هر چیزی است زن یا مردی که با کسی همخوابی نکرده و بیشتر برای زنان بکار گرفته می‌شود.» (ابن منظور، ۶۳۰ ه ق، ج ۱، ص ۱۴۳)

«قریش: از نظر لغوی به معنای شتر استوار و توانامی باشد، نام یکی از قبایل بزرگ اعراب است و به این جهت قریش نامیدند که کرد حرم فراهم می‌آمدند.» (قلقشندی، ۱۹۶۳ ج ۱، ص ۳۵۲)

«صلب: به معنای استخوان‌های پشت گردن یا ستون فقرات است و از آن واژه برای معانی همچون، سخت و محکم، بردبار و صبور نیز به کار گرفته می‌شود.» (یاقوت حموی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵۶)

«غابرین: از منظر لغوی باقی پاینده، باقی مانده، جامانده‌ها از بین رفتگان، غابر به کسی می‌گویند که همراهانش بروند و او جا بماند.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۲۰)

۱- آشنای حضرت خدیجه (س) با پیامبر اکرم (ص)

روزی حضرت خدیجه (س)، در سرای با شکوی خود در حالی که گرداگردش را غلامان و کنیزان گرفته بودند نشسته بود، یکی از احبار یهود (عالم روحانی یهود) نیز کنارش بود، ناگهان پیامبر اکرم (ص) از آنجا گذشت؛ در همین لحظه، چشم آن دانشمند روحانی یهود، به چهره رعناى رسول خدا (ص) افتاد و بی درنگ به حضرت خدیجه گفت: «ای خدیجه هم اکنون از کنار خانه تو جوانی گذشت، فرمان ده تا او را به اینجا آورند!» حضرت خدیجه (س)، یکی از کنیزان خود را نزد آن جوان فرستاد و به او عرض کرد: ای آقای من بانوی من تو را می طلبد. و پیامبر اکرم (ص) نیز نزد حضرت خدیجه (س) رفت و آن یهود به حضرت خدیجه گفت: «بکوش که حضرت محمد (ص) از دست تو نرود، چرا که او مایه کرامت و شرافت دنیا و آخرت برای توست.» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۲۰، ۲۱) بعد این ماجرا قلب حضرت خدیجه (س) آکنده از محبت پیامبر شد. و در این ایام حضرت خدیجه (س) خوابی عجیب را می بیند، که در خواب ماه از آسمان فرود آمد و کنار ایشان می افتد سپس هفت پاره می شود. و نزد پسر عمویش ورقته بن نوفل می رود برای تعبیر خوابش و ایشان به حضرت خدیجه میگوید، «تعبیر خواب تو این است که، تو با پیامبر آخر زمان ازدواج خواهی کرد.» (عوفی، ۶۳۰ه ق، ص ۳۶)

«حضرت خدیجه (س) از این پیشگویی ها که در بیداری و خواب به او میرسید، اطمینان یافت که به چنان سعادت بزرگی نایل می شود؛ از این رو، در انتظار فرصت بود تا مقدمات ازدواج فراهم گردد و به این افتخار بی نظیر رسد. بعد از مدت ها که گذشت حضرت خدیجه (س) پیامبر (ص) را امین تجارت خود قرار میدهد، حضرت خدیجه (س) در دیداری، خود را به عنوان همسر شایسته به پیامبر اکرم (ص) معرفی می کند، و پیامبر نیز بعد از مشورت با ابوطالب صفیه عمه پیامبر (ص) را به خانه حضرت خدیجه (س) می فرستد تا از ایشان خواستگاری کند. و حضرت ابو طالب (ع) خطبه عقد این دو انسان گرامی را خواند.» (تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷)

۲- عدم ازدواج حضرت خدیجه (س) قبل از پیامبر با کسانی دیگر

عده ای بر آنند که حضرت خدیجه (س) هنگام مفتخر شدن به همسری پیامبر (ص)، بانویی بودند که چیزی حدود چهار دهه زندگی شایسته و مترقی داشته و قبل از ازدواج با پیامبر با «عتیق بن عائذ بن عبدالله المخزومی و اعرابی به نام ابوهاله تمیمی» ازدواج کرده بودند، از دو همسر پیشین خود که زندگی را بدرود گفته بودند دارای فرزندان نیز بوده اند. گفته شده که پیامبر (ص) با دوشیزه ای جز عایشه ازدواج نکرده، این دیدگاه، سست و ناشی از اشتباه مورخان و یا به هر دلیل دیگر است. ولی ادعای آنان مخدوش است و بسیاری از این گفته ها، ساخته های دشمنان است؛ به دلایلی که به آنها خواهیم پرداخت: سید مرتضی در «الشافی» و شیخ

طوسی در «تلخیص الشافی» همین دیدگاه را آورده‌اند و تصریح کرده‌اند که: «حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، دوشیزه بود.» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۲۲، ص ۱۹۹)

بلاذری در «انساب الاشراف» در این باره می‌نویسد: «حضرت خدیجه (س) دوشیزه‌ای بیست هشت ساله بود.» (بلاذری، ۱۴۱۷ه ق، ج ۱، ص ۹۸)

علامه ملا محمد باقر مجلسی در این باره می‌نویسد: «آنچه این نکته را مورد تایید و تاکید قرار می‌دهد، این است که حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، دوشیزه بود و رقیه و زینب دختران او نبودند، بلکه دختران خواهرش، هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مورد مهر و مراقبت او قرار گرفتند؛ تاکیدی است که در دو کتاب «البدع» و نیز «الانوار» آمده است.» (ابن شهر آشوب، ۵۸۸ه ق، ج ۱، ص ۱۶۰)

ابن شهر آشوب، حدیث نگار نامدار شیعه در این باره می‌نویسد: «پیامبر اکرم (ص) در حالی با حضرت خدیجه (س) ازدواج نمود که دوشیزه بود.» (عاملی، ۱۴۱۹، ص ۷۵)

در کتاب «تاریخ سیستان» آمده است: «حضرت خدیجه (س) بنت خویلد اندر زمان حضرت رسول (ص)، بکرو با خرد و کمال و جمال بوده» (مؤلف مجهول، ۱۳۶۶، ص ۵۲)

و در روایت دیگری آمده است: «حضرت خدیجه (س)، خواهری به اسم هاله داشت که با مردی «مخزومی» ازدواج کرد و از او دختری متولد شد. بعد از مرگ همسرش، مردی از «تمیم» که او را ابوهند می‌نامیدند و دو فرزند به نام‌های رقیه و زینب از همسر اولش که مرده بود داشت و با هاله، خواهر حضرت خدیجه (س) ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام هند شد. بعد از مردن مرد «تمیمی»، هند به طایفه پدرش ملحق شد و هاله با فرزندان دیگر شباقی ماند و حضرت خدیجه آنان را نزد خود گرد آورد. بعد از ازدواج ایشان با پیامبر (ص) بچه‌ها در خانه پیامبر (ص) باقی ماند و عربد می‌پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزندت توسط و به همین خاطر به پیامبر (ص) نسبت داده شدند.» (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۲۵، ۱۲۶)

احمد بن ابی یعقوب، در «تاریخ یعقوبی» و شیخ ذبیح الله محلاتی در «ریاحین الشریعت» و همچنین محمد دخیل در کتاب «حضرت خدیجه (ص)» اینگونه نظری در مورد فرزندان نسبت داده شده به حضرت خدیجه (س) دارند.

اجماع عام و خاص روایان اخبار بر آن است که: همه اشراف، سادات و پروتمندان قریش، از طاهره قریش خواستگاری کردند و آهنگ ازدواج با او را داشتند، ولی امتناع و مخالفت می‌کرد و هنگامی که با حضرت محمد امین (ص) ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفتند و او را ترک کردند و گفتند: «اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری کردند، ولی تو با هیچ کدام ازدواج نکردی و با حضرت محمد (ص) یتیم ابو طالب که فقیر است و مالی ندارد ازدواج کردی» (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۲۳) باین اوصاف کسی که اهل دانش و

بصیرت باشد؛ چگونه می‌تواند بپذیرد، حضرت خدیجه (س) با اعرابی از قبیله «بنی تمیم» ازدواج کرده و از ازدواج با سروران قریشی، خود داری نموده باشد و چطور سروران قریش که از ایشان خواستگاری کردند و حضرت خدیجه (س) آنان را رد کرد، اورا متهم به عیب عار نساختند که چرا با وجود این همه خواستگار، بیک اعرابی ازدواج کرده است آیا می‌توان پذیرفت که حضرت خدیجه (س) در ازدواج با پیامبر، اکرم از ناحیه قریش مورد ملامت قرار گرفته، اما در ازدواج با یک اعرابی هیچ سرزنشی نشده باشد؟!

پس باتوجه به آنچه نقل نمودیم، شایعه ازدواج حضرت خدیجه بادوتن دیگر و پیش از پیامبر اکرم (ص)، تحریف عمدی تاریخ بوده است، زیرا دشمنان آن حضرت می‌خواستند تنها عایشه را به‌عنوان زن شایسته برای پیامبر اکرم (ص) که از همه لحاظ از حضرت خدیجه (س) علم تراست معرفی نمایند.

۳- عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه (س) و باکره بودن ایشان از نظر تاریخ

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری (ع) عصمت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان یعنی حضرت زهرا (س) و ائمه هدی (ع) هستند. معنای اولیه‌ای که از این کلمه در ذهن انسان وارد می‌شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر آن است، که اگر چه معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادیست، اما در برگرفته تمام مفاهیم آن نیست. کامل ترین معنای عصمت، در قرآن مجید در آیه تطهیر وارد شده است خداوند در این آیه، «اهل بیت رسول خدا (ص) از هر گونه ناپاکی و پلیدی مبرا گردانیده و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است.» (سوره احزاب، آیه ۳۳)

عصمت از گناه، فکر آن و اشتباه، در برگرفته یک قسمت از معنا آیه تطهیر است، اما این آیه، نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می‌کند. اغلب در بیان معنای عصمت غفلت می‌شود، یعنی دوری از هرگونه ناپاکی. این ناپاکی، دارای مصادیق بسیاری است؛ یکی از آن مصادیق، آلودگی آباء و اجداد معصومین (ع) به انجاس زمان جاهلیت است و در این آیه، به طور کلی این مسئله نفی شده است. مویدما بر اثبات این مطلب، عباراتی است که در اغلب زیارت نامه‌های وارد از معصومین (ع) آمده که فرمودند:

«كنت نورا الا صلاب الشامخه و الا رحام المطهره لم تنجسك الجاهلیة بانجا سها»: «شما نوری در صلب‌های مردان بلند مرتبه و در رحم‌های زنان پاک بودید که جاهلیت، شما را با آلودگی‌های خود نیالود.» (زیارت اربعین امام حسین)

حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران، عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت است؛ در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته و از دایره دین خارج می‌گردد. حال با بیان این مقدمه، دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه (س) با مبانی اعتقادی تشیع، واضح و

آشکار می‌شود. زیرا بنابر آنچه در کتب تاریخی تحریف در مورد ایشان آمده، آن حضرت قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، با دونفر کافر و بت پرست ازدواج نموده. که این درست خلاف مبانی اعتقادی شیعه است. ازدواج آن حضرت با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج و قابلیت مادری برای حضرت زهرا (س) و ائمه هدی (ع) را از وی سلب می‌کند؛ زیرا حضرت زهرا (س) و ائمه طاهرین (ع)، از مصادیق «ایه تطهیر» هستند و باید از هر گونه ناپاکی مبرا باشند؛ یکی از آن ناپاکی‌ها، غرقه شدن پدران و مادران ایشان به آلودگی‌های جاهلیت است. حضرت خدیجه (س)، موحد و تابع شریعت حضرت عیسی (ع) بوده‌اند. طبق شریعت‌های توحیدی، ازدواج موحد با کافر مشرک حرام است و اگر خلاف دستور دین چنین ازدواجی صورت گیرد، باطل محسوب می‌شود. باین حساب، ازدواج حضرت خدیجه (س) با عتیق و ابو هاله که دو کافر بت پرست بوده‌اند از لحاظ دینی، حرام و در صورت وقوع آن، ازدواجی غیر شرعی محسوب شده و این خود، منافات با پاکی و طهارت دارد.

حال در این جا افرادی که باتوجه به تاریخ تحریف شده، ازدواج حضرت خدیجه (س) با عتیق و ابو هاله را مورد تایید قرار می‌دهند؛ مقابل دو قضیه متناقض قرار می‌گیرند:

۱- ادعای تاریخی مبنی بر ازدواج حضرت خدیجه (س) با دو کافر که با قبول آن، باید معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومین (ع) باشند، حال آنکه حضرت خدیجه (س)، در واقع مادر این بزرگواران بوده‌اند.

۲- اصل اعتقادی عصمت برای معصومین (ع) که به واسطه آن، باید معتقد به پاکی پدران و مادران ایشان باشند. بنابراین با قبول قضیه اول، اصل اعتقادی عصمت از ضروریات دین است زیرا پا گذارده می‌شود و با قبول اصل عصمت، مسئله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال به نظر می‌آید. آنچه در این دو مسئله متناقض برای ما روشن است؛ اول اینکه ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، مسئله‌ای تاریخی است که به خودی خود، دارای هیچ گونه اعتبار و حجیت شرعی نمی‌باشد؛ یعنی نه در کتاب خداوند و نه در سنت پیامبر اکرم (ص) ائمه هدی (ع)، برای آن مویدی یافت نمی‌شود که به واسطه آن، دارای اعتبار و حجیت شود؛ به خصوص این که تاریخ صدر اسلام، مملو از تحریف است؛ باتوجه به این مطلب، دیگر هیچ وجه عقلانی برای اتکا به آن تاریخ تحریف شده یافت نمی‌شود.

دوم اینکه طهارت آباء و اجداد معصومین (ع)، اصل ضروری دین است که اعتقاد به آن، واجب و عدم اعتقاد به آن موجب خروج از دین می‌گردد. پس باین حساب، در مواجهه این دو قضیه و موارد مشابه آن، آنچه مورد قبول واقع می‌شود، اصل اعتقادی و آنچه طرد می‌گردد، مسائل تاریخی متناقض با آن است و این، نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام تنها راه فهم تحریفات وارد شده در تاریخ محرف و فرار از انحرافات عقیدتی است. زیرا هدف دشمنان دین در مسئله تحریف

تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده که با نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در حین مطالعه و تحقیق آن، این تلاش آنان نا کآمد می‌گردد.

ازدواج حضرت خدیجه (س) بآدم کافر قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، این مطلب برگشت به اهل سنت دارد و به طور حتم می‌توان گفت که در هیچ یک از کتاب‌های روایی و تاریخی شیعه نیامده است و این خود، جای تامل بسیار دارد. اگر شخصی به کتب تاریخی روایی اهل سنت اندک مراجعه‌ای داشته باشد، متوجه می‌شود که این کتاب‌ها، دارای موارد متضاد و متناقض زیادی هستند که اعتبار آنها، نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل سنت نیز مورد خدشه است. به‌عنوان مثال، در بین آن همه کتب روایی اهل سنت، کتب «صحاح شش گانه» از اعتبار خاصی برخوردار است و در بین این کتب «صحاح شش گانه»، «صحیح بخاری» بیشتر مورد توجه قرار گرفته، طوری که اگر ادعا شود، اهل سنت بعد از قرآن هیچ کتابی را به اندازه صحیح بخاری مورد توجه قرار نمی‌دهند؛ ادعای گزافی نیست، اما با این حال، کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده که بسیاری از احادیث، آن را مورد خدشه قرار می‌دهد. زیرا احادیث ساختگی و جعلی و نیز نقل‌های تاریخی تحریف شده فراوانی در این کتاب وجود دارد، که تعصب و عناد و دشمنی با اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را می‌توان از مهم‌ترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل تاریخی به این کتاب دانست.

حال با اوضاع وخیمی که کتب روایی و تاریخی اهل سنت دارد، نقل این مسئله آن هم فقط از طریق اهل سنت، قابل تامل است. زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت، برای اثبات موضع خود در بین مردم، دست به جعل، تحریف و تاریخ دین زدند که نتیجه آن امروز می‌توان در کتب روایی و تاریخی بقایای آنان، یعنی اهل سنت مشاهده نمود. ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسئله، در بعضی کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده، که در جواب آن می‌گوییم:

اول اینکه؛ نقل‌های وارد شده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل سنت، فاقد و جاهت و اعتبار است.

دوم اینکه همان گونه که گفتیم، «بزرگان علماء شیعه، مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوقاسم کوفی، ابن شهر آشوب، علامه ما مقامی و... در کتب خود، زیر بار این مسئله نرفته‌اند و «عذراء» بودن حضرت خدیجه (س) را مورد تاکید قرار داده‌اند.» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۱۲)

۴- ناقلان ازدواج‌های دوروغین حضرت خدیجه (س)

راویان ازدواج حضرت خدیجه (س) پیش از پیامبر (ص)، سه نفر می‌باشند: ۱- هشام بن محمد بن سائب کلبی: «علمای علم رجال قائلند به این که وی مبتلا به مرضی شد و همه چیز را فراموش کرد.» (نجاشی، ص ۴۳۴) حال با وجود فراموشی که وی داشته، چگونه می‌توان به آنچه او درباره ازدواج حضرت خدیجه (س) پیش از ازدواج با پیامبر (ص) نقل، اطمینان حاصل نمود؟!

۲- زبیر بن بکار: محمد بن اسحاق خراسانی، درباره زبیر بن بکار می‌گوید: «از علی بن محمد نوفلی شنیدم که بین قبر و منبر رسول خدا (ص) که باغی از باغ‌های بهشت است، مردی از بنی هاشم، زبیر بن بکار را درباره موضوعی قسم داد! زبیر، قسم دروغ خورد؛ بلافاصله به مرض برص مبتلا شد.» پدر زبیر (یعنی بکار)، برامام رضا درباره چیزی ستم کرد! حضرت، او را نفرین نمود؛ بلافاصله از قصر سقوط کرد و گردنش کوبیده شد. پدر بکار (یعنی عبدالله)، نیز سابقه خوبی ندارند. او عهد نامه بین هارون الرشید و یحیی بن حسن را پاره کرد و به هارون گفت که یحیی را بکشد؛ زیرا دیگر امان نامه‌ای وجود ندارد. یحیی به هارون گفت: «این مرد دیروز با برادرم، دز قیام علیع تو شرکت داشت و حتی اشعاری را در این زمینه سرود! عبدالله، منکر شد یحیی، او را قسم داد عبدالله قسم دروغ خورد و حاشا کرد و بعد سه روز مرد چندین مرتبه او را دفن کردند، ولی قبر او را نپذیرفت.» (الاردبیلی، ۱۴۰۳ه ق، ج ۱، ص ۱۲۵)

«زبیر بن بکار، در مکه قاضی بوده و در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت، وی کتابی درباره «اسباب قریش» نیز نگاشته است. در روایتی او را مذمت کرده‌اند، همان طور که پدر و جدش نیز مذمت شده‌اند.» (زنجانی، ۱۳۲۸، ص ۷۸۶)

شیخ محمد نقی شوشتری در قاموس الرجال راجع به وی می‌نویسد: «حال زبیر بن بکار معلوم است، که از دشمنان اهل بیت (ع) است و به دروغ گویی و جعل احادیث، نزد علمای عامه معروف است.» (شوشتری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۰۸) شیخ مفید نیز درباره وی می‌گوید: «اعتمادی به گفته‌های زبیر بن بکار نیست؛ زیرا در آنچه نقل کرده، متهم به دشمنی با حضرت امیر مومنان علی (ع) است.» (قمی، ۱۴۱۶ه ق، ج ۱، ص ۵۴۲)

۳- قتاده بن دعامة:

ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التهذیب» از اسماعیل قاضی نقل می‌کند که وی در احکام القرآن گفته است: «از علی بن مدائنی شنیدم که می‌گفت: آنچه از (قتاده بن دعامة) نقل می‌کند، ضعیف است.» (عسقلانی، ۱۲۱۵ ه ق، ج ۳، ص ۴۲) حنظله بن ابی سفیان نیز می‌گوید: «طاووس یمانی از قتاده فرار می‌کرد و حاضر به ملاقات با او نبود، چون او قدری مذهب می‌دانست.» (همان، ج ۸، ص ۳۵۳)

شمس الدین ذهبی در «میزان الاعتدال» در این باره می نویسد: «قناده بن دعامه الدوسی، مدلس (کسی که حدیث ضعیف روایت می کند) و فریبکار است و می گفتند عقیده قدریه (کسی که قائل به جبر است) دارد.» (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۸۵)

۵- بیان عایشه درباره حضرت خدیجه (س)

شعبی از مسروق واوبه نقل از عایشه بیان می دارد: «رسول خدا (ص) از خانه خارج نمی شد مگر اینکه نام حضرت خدیجه (س) را به نیکی یاد می نمود. روزی نام او بر زبان جاری کرد و از او تجلیل نمود. به غیرتم برخورد گفتم: او فقط پیرزنی بود! خدا ف بهتر از او به شما داده است.» رسول خدا آنچنان خشمگین شد، که موهای جلو سر حضرتش به حرکت درآمد (بعداز فری نشاناند غضبش) گفت: «خدا بهتر از او به من نداده است.» (ابن اثیر، ۶۳۰ ه ق، ج ۵، ص ۴۳۸)

آنچه در روایت فوق وجود دارد و قابل ملاحظه است، این است که در حقیقت نظر عایشه از بیان این مطلب، سرزنش و به سخره گرفتن حضرت خدیجه (س) بوده است. او نهایت دشمنی و عداوتش را با بیان کلمه پیرزن به ظهور می رساند. حال اگر حضرت خدیجه (س) پیش از پیامبر (ص) ازدواج کرده بود، آیا بیوه بودن او و عدم باکره بودن ایشان، برای سرزنش و مسخره کردن سزاوار تر نبود!

۶- سن حضرت خدیجه (س) هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (ص)

به نظر می رسد که ادعای مسن بودن حضرت خدیجه (س)، از دروغهای هشام بن عروه باشد. در منابع مختلف، راجع به سن رسول خدا (ص) به هنگام ازدواج چهار قول ذکر شده که عبارتند از: بیست و یک؛ بیست و سه؛ بیست و پنج و سی سال است که در میان آنها، قول بیست و پنج سال مشهور است. در واقع، ۱۵ سال قبل بعثت و روایات متعددی این قول را تایید میکند؛ از جمله: «پیامبر (ص)، با حضرت خدیجه (س) ازدواج کرد در حالی که بیست و پنج سال داشت و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری رسد.» (کثیر الدمشقی، ۷۷۴ ه ق، ج ۲، ص ۲۹۵)

درباره سن و سال حضرت خدیجه (س) به هنگام پیوندش با والاترین جوان روزگاران، دیدگاهها یکسان نیست و مورخان سن ایشان را بین بیست و پنج تا چهل و شیش بیان نموده اند؛ به شرح ذیل: الف) بیست و پنج سال که بیهقی آن را صحیح دانسته است. بیهقی بر این قول صحت میگذارد و می گوید: «می گویند که حضرت خدیجه (س)، در سن شصت و پنج سال یا پنجاه سالگی وفات یافت، در حالی که سن پنجاه سالگی صحیح تر است.» (بیهقی، ۴۵۸ ه ق، ج ۲، ص ۷۱)

بنابراین، اگر حضرت خدیجه (س) ۱۵ سال قبل بعثت با پیامبر (ص) ازدواج کرده باشد، که بیهقی نیز آن را تایید می کند؛ یعنی هنگام ازدواج بیست و پنج سال داشته و سال وفات ایشان هم سال ۱۰ بعثت است.

در میان معاصران نیز برخی از علما تصریح کرده‌اند که، حضرت خدیجه (س) در زمان بعثت رسول خدا (ص)، بانویی چهل ساله بوده‌اند. حال با توجه به اینکه در زمان بعثت، ۱۵ سال از ازدواج ایشان گذشته؛ پس هنگام ازدواج، بیست و پنج سال داشته‌اند.

ب) بیست و هشت سال، که بیشتر آن را ترجیح می‌دهند. ابن عماد حنبلی، به نقل از صحیح بخاری می‌نویسد: «پیامبر (ص)، با حضرت خدیجه (س) ازدواج کرد و بیست پنج سال داشت و حضرت خدیجه (س)، به احتمال قوی دختری چهل ساله بود.» سپس در رد این نظریه می‌گوید: در حالی که بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده‌اند که، حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با پیامبر (ص)، دوشیزه‌ای بیست و هشت ساله بوده است. و «بیشتر محققان بر آنند که، او دختری بیست و هشت ساله بود.» (الدمشقی، ۱۰۸۹ هـ ق، ج ۱، ص ۱۳۴)

«بلاذری ضمن بحث در این مورد مینویسد که: پیامبر (ص) به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه (س)، جوانی بیست و سه ساله بود و حضرت خدیجه (س)، دختری دختری بیست و هشت ساله بوده‌اند.» (بلاذری، ۲۷۹ هـ ق، ج ۱، ص ۹۸)

«ابن عساکر، به نقل از ابن عباس می‌گوید: روزی که حضرت خدیجه (س) با پیامبر (ص) ازدواج کرد، دختری بیست و هشت ساله بود که مهریه آن بزرگوار، دوازده اوقیه (نود مثقال مکی) بود که با مهریه دیگر زنان برابری می‌کرد.» (ابن عساکر، ۵۷۱ هـ ق، ج ۳، ص ۱۹۳) پس آنچه مسلم است، آن است که سن مبارک حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، کمتر از سی سال بوده و مورخانی که بیشتر از سی سال را مطرح نموده‌اند، دلیلی برای قول خود ذکر نکرده‌اند و ما هم نیافتیم. مطلب دیگر این است که با توجه به فرزندی که حضرت خدیجه (س) بعد از ازدواج به دنیا آورده، با چهل سال بودن ایشان مناسبتی نداشته و نمی‌تواند، مطابقتی با واقع داشته باشد! از طرفی، وجود خواستگاران زیاد و استنکاف از پذیرش آنان، خود مطلبی است که وضعیت سنی مناسبی را برای یک زن آشکار می‌کند. وضعیت سنی مناسب، یکی از جاذبه‌های طبیعی زن است که کثرت خواستگاران حکایت می‌کند. حال جای بحث و سوال است که چرا لازم است این همه اختلاف، در خصوص سن این بانوی بزر به هنگام ازدواج با رسول خدا (ص) مطرح شود؟ آیا می‌خواهند انتخاب شایس حضرت خدیجه (س) را زیر سوال ببرند، که اگر بانویی به بالای سن چهل سال برسد، تن به هر ازدواج با هر شرایطی خواهد داد و انتخاب حضرت محمد (ص) برای ایشان در این سن، فضیلت نبوده است؟ لازم است گفت که این دسیسه‌ای از طرف دشمنان اسلام، یهود و پیروان بنی امیه، به منظور کاستن شخصیت و عظمت حضرت خدیجه (س) بوده است.

۷- پاسخ به دو سوال

باتوجه به بحثی که در اینجا کردیم، ممکن است که دو سوال برای برخی مطرح شود: ۱- چگونه ممکن است که حضرت خدیجه (س)، با وجود داشتن شرایط ازدواج، قبل از پیامبر اکرم (ص) ازدواج نکرده باشد؟

پاسخ: جواب بسیار روشن است؛ زیرا باقی ماندن زنی شریف و زیبا برای مدتی طولانی چندادن دور از انتظار نیست، چون منتظر بود تا مردی فاضل و با کمال که در خورشان خود او بوده را بیابد. که در آن دوران، یافتن چنین همسری بسیار سخت بود!

۲- اگر حضرت خدیجه (س) با کسی، جز پیامبر اکرم (ص) ازدواج ننموده وارثی هم از کسی به او نرسیده؛ پس این همه ثروت را از کجا به دست آورد؟

پاسخ: اول اینکه: به دست آوردن ثروت، امر خارق العاده‌ای نیست و نیاز به معجزه هم ندارد، بلکه آنچه در تحصیل ثروت مهم است، داشتن فکر و اندیشه اقتصادی است. زیرا چ بسا افرادی که از کانال ارث و... به ارث دست یافتند، اما به واسطه نداشتن تدبیر و مهارت‌های اقتصادی، نه تنها چیزی به ثروت خود نیفزودند، بلکه آنچه داشتند را نیز از دست دادند، ولی حضرت خدیجه (س) به واسطه تجربه و بینش بالایی که در امر تجارت و به دست آوردن ثروت داشت، روز به روز به ثروت آن حضرت افزوده می‌شد تا جای که او را در زمان جاهلیت به همین خاطر، «بانوی قریش» نامیدند. دوم اینکه: بانوان فراوانی در کشور ما و در سایر کشورها وجود دارند که نه ارثی از پدر خود بردند و نه اینکه ازدواج نموده‌اند. ولی در اثر سعی و کوشش، به ثروت زیادی دست یافته‌اند. بنابراین لازمه ثروتمند شدن یک زن، این نیست که حتما لازم باشد، ارثی از کسی برده یا این که ازدواج نموده باشد. از این جهت، طرح این اشکال که این همه ثروت را از کجا آورده است، بی مورد خواهد بود. و نمی‌تواند دلیلی براینکه ایشان قبل از پیامبر (ص) ازدواج نموده‌اند باشد.

۸- نجابت و پاکدامنی حضرت خدیجه (س)

«از برجسته ترین ویژگی‌های حضرت خدیجه (س) آنست که به جهت نجابت، پاک منشی و پاکدامنی اش در عنفوان جوانی از سوی قریش ملقب به «طاهره» شد. اهمیت موضوع در این است که این لقب در عصر جاهلیت به آن حضرت داده شد.» (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۰۷) و در آن زمان وجود زن پاکدامن بسیار کم بود، و بسیاری از زنان به انحراف‌های عصر جاهلی آلوده بودند. اما حضرت خدیجه (س) در چنین محیطی به خاطر قداست و پاکی و شدت عفاف که در همه ابعاد داشت به عنوان «طاهره» خوانده می‌شد. صفت زبینه‌ای که در سراسر زندگی پر برکت آن بانو علی رغم وجود ثروت و امکانات گسترده مالی و تشکیلات منظم تجاری و اقتصادی، جلوه‌ای کامل دارد. لذا این نکته را باید همه بانوان از زندگی پربار حضرت خدیجه (س) بیاموزند و محیط آلوده و ثروت را بهانه خلاف کاری‌های خود قرار ندهند و نگویند که چون

که ما از امکانات مالی برخوردار بودیم و جامعه نیز سالم نبود لذا موجب آن شد که به انحراف کشیده شویم؟! در صورتی که حضرت خدیجه (س) در جاهلیت گسترده حجاز و مکه و با وجود دارائی‌ها و شهرت و محبوبیت اجتماعی اش، پاک زیست و درس پاکدامنی حتی در آلوده ترین محیط‌ها را به همه طبقات بویژه بانوان داد.

او حتی قبل از ازدواج با رسول خدا (ص) چنان در اوج نجابت و طهارت بود که حضرت ابوطالب (ع) بزرگ قریش و سالار بنی هاشم، این گونه او را می‌ستاید: «إِنَّ خَدِيجَةَ امْرَأَةٌ كَامِلَةٌ مِمْوْنَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذِرُ الشَّنَارَ: بهراستی که خدیجه (س) بانویی است کامل و مبارک و صاحب فضل که از هرگونه عیب و عار پرهیز می‌کند و از هر نوع بدنامی و رسوایی دوری می‌گزیند». (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۱۵) بنابراین حضرت خدیجه (س) مالی به دلیل پاکی و پاکدامنی اش در عهد جاهلیت ملقب به «طاهره» شد. «علّامه مامقانی» در «تنقیح المقال» در این باره می‌نویسد: «کانت تدعی فی الجاهلیة طاهرة: او حضرت خدیجه (س) در روزگار جاهلیت طاهره خوانده می‌شد». (مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۷۷)

«توفیق ابو علم» که از علماء اهل سنت است در این باره می‌گوید:

«وكانت السيدة خديجة تسمى في الجاهلية بالطاهرة، و سيدة نساء قریش: خدیجه (س) را در عصر جاهلیت طاهره می‌نامیدند و سرور زنان قریش بود». (ابو علم، ۱۳۷۴، ص ۳۶)

«زرقانی» عالم نامی اهل سنت نیز در این رابطه می‌گوید: وکانت تدعی فی الجاهلیة بالطاهرة لشدّة عفافها: او حضرت خدیجه (س) در روزگار جاهلیت بدلیل آنکه خیلی عقیف بود، طاهره خوانده شد». (زرقانی، ج ۱، ص ۱۹۹)

«نوبری» نیز می‌گوید: «وكانت تدعی فی الجاهلیة الطاهرة لتركها ما كنت تفعله نساء الجاهلیة: او حضرت خدیجه (س) در روزگار جاهلیت طاهره خوانده شد زیرا آنچه را که زنهاى (بی بند و بار) جاهلیت انجام می‌دادند را ترک می‌کرد». (نوبری، ۱۹۵۱، ج ۱۸، ص ۱۷۰)

«ابن حجر عسقلانی» و «مقریزی» در این باره می‌گویند: «کانت تدعی قبل البعثة الطاهرة: او حضرت خدیجه (س) قبل از بعثت، طاهره خوانده شد». (عسقلانی، ۱۲۱۵، ج ۸، ص ۹۹)

«ابن هشام کلبی» نیز می‌گوید: وکانت تدعی فی الجاهلیة بالطاهرة، لشدّة عفافها و صیانتها: او حضرت خدیجه (س) در روزگار جاهلیت بدلیل آنکه خیلی عقیف بود و خودش را از آلوده گی‌ها حفظ می‌کرد، طاهره خوانده شد». (ابن عساکر، ۵۷۱ هـ ق، ج ۳، ص ۱۳۱)

«زبیر بن بگار» در این باره «خدیجه (س) در زمان جاهلیت، طاهره خوانده می شد». (عسقلانی، ۱۲۱۵، ج ۴، ص ۲۷۳)

«دکتر علی ابراهیم حسن» در این باره می گوید: هرگاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاکدامن و زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه (س) یا اُمّ المؤمنین نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد، و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت، تا جایی که طاهره نامیده شد.»

«عمر رضا کحاله» در این باره می گوید: خدیجه (س) به سال ۶۸ هجری در خانه مجد و سروری متولد شد، و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت، و به دورانیشی و خرد و پاکدامنی متصف گردید، تا اینکه قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند. (کحاله، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۲۶)

همچنین عده ای دیگر از علمای اهل سنت در این باره گفته اند: «کانت تدعی فی الجاهلیة الطاهرة: او حضرت خدیجه (س) در روزگار جاهلیت طاهره خوانده شده» (کلبی، ج ۱، ۱۸۷)

۹- حضرت خدیجه (س) اسطوره کامل عقل

با توجه به روایات فوق، باید بگوییم که حضرت خدیجه (س) نیز از این موهبت الهی برخوردار بود و عقل او، وی را وادار به اطاعت از خدا و انجام واجبات و ترک از محرّمات نمود، و به وسیله عقل بهشت جاودانه را کسب و سعادت اخروی را تحصیل نمود. از اینرو آن حضرت را عاقل ترین زنان قریش دانستند و درباره وی چنین گفته اند: «و کانت سیّدتنا خدیجة من اجمل نساء القریش و اعقلها».

عایشه» نیز از پیامبر اکرم نقل می کند که آن حضرت فرمود: «کانت من احسن النساء جمالاً و اکملهن عقلاً و أتمهن رأياً و اکثرهن عفة و دیناً و حیاء و مروءة و مالاً: او حضرت خدیجه (س) در زیبایی یکی از نیکوترین بانوان، و در عقل و خرد یکی از کامل ترین بانوان، و در فرزاندگی یکی از داناترین بانوان و نیز یکی از عقیف ترین، متدین ترین، باحیا ترین، با شخصیت ترین، و ثروتمند ترین بانوان بود». (حائری مازندرانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۲)

۱۰- حضرت خدیجه (س) بانویی پاک منش و بالنده

تزکیه جان در گرو پیراستگی از آفتها و آراستگی به ویژگی های اخلاقی و انجام کارهای شایسته است. یعنی کسی که خودش را از صفات نکوهیده ای نظیر خشم و حسد، بخل و دوستی جاه و مقام، دنیادوستی و خودبزرگ بینی، خودکامگی و خود پسندی، شرارت شکم و زبان، وسوسه و سخن ناسنجیده، پاک و پاکیزه ساخت، رستگار خواهد گردید. از این رو خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وقد افلح من زکّیها:

هرکس جان را پالایش کرد و پاکیزه ساخت، رستگار گردید». (سوره شمس، آیه ۹) معانی متعدد تزکیه: «تزکیه» معانی متعددی دارد؛ از قبیل پاکسازی انسان از آلودگی شرک، پاکسازی وی از اخلاق رذیله، پاکسازی عمل از محرمات و هرگونه ریا، و پاکسازی مال و جان بوسیله دادن زکات در راه خدا و... است. پاکیزگی نفس حضرت خدیجه (س): تمام معانی که در عبارت بالا برای تزکیه ذکر شد، در وجود مقدس حضرت خدیجه (س) جمع شده بود از اینرو آن حضرت ملقب به «زکیّه» شد. یعنی پاکیزه از خباثت نفس، کینه، بخل، حسد و هرگونه پلیدی و کثافات ظاهریه و باطنیه. لذا در فرازی از زیارت نامه پیامبر در این مورد آمده است که: «السَّلَامُ عَلٰی اَزْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ... خُصُوصًا الصِّدِيقَةَ الطَّاهِرَةَ، الزَّكِيَّةُ... خَدِيجَةَ الْكُبْرٰی اُمُّ الْمُؤْمِنِيْنَ: سلام بر همسران پاک و نیکو کردارت، که مادران مردم توحیدگرا و با ایمان هستند، به ویژه بر آن بانوی تصدیق کننده حق و عدالت، آن بانوی پاک سرشت و پاک منش، آن بانوی خشنود از مهر و لطف خدا و مورد پسند حق، خدیجه (س) ام راستین و سرمشق درخشان مردم با ایمان و شایسته کردار». (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹)

۱۱- حضرت خدیجه (س) بانویی باحیا

واژه دلپذیر و ارزشمند «حیا» - که در فرهنگ و زبان فارسی به «آزرم» و یا شرم و احساس خجالت تعبیر می‌گردد. در فرهنگ و قاموس قرآن و آموزگاران آن به مفهوم احساس انفعال و انکسار روانی یا احساس شرم و حیا در برابر ترس از نکوهش و سرزنش بجا و درست دیگران به خاطر خودکامگی و خودسری و گناه و پایمال ساختن حقوق و کرامت مردم آمده است. این حالت پسندیده روحی و روانی و این منش مترقی از ویژگی‌های انسان خردمند و خردورز، از نشانه‌های علو روح و اعتماد به خویشتن، از نشانه‌های سلامت نفس و قوت ضمیر، از نشانه‌های بیداری فطرت و شکوفایی وجدان، از نشانه‌های شایسته و بایسته انسانی، از علائم رشد فکری و فرهنگی و اجتماعی و معنوی، از رازهای سعادت و نیک بختی، از سجایای اخلاقی و انسانی، از نشانه‌های ایمان و پروای از خدا، از ارزش‌های والای الهی، از نشانه‌های بها دادن به افکار عمومی و حقوق اجتماعی، از ضمانت‌های بزرگ رعایت مقررات و قوانین، از عوامل مهم و مؤثر روانی و مردمی در جلوگیری از قانون‌گریزی و مرزشکنی و خودکامگی و خودسری.

از راه کارها و ابزارهای لازم برای ساختن جامعه و تمدن و محیط و شرایط و فضای اجتماعی و سیاسی و قضایی و اقتصادی مطلوب برای تأمین حقوق و حرمت و آزادی و امنیت انسان‌ها، و باعث وجاهت و زیبایی و کرامت و آبرومندی فرد و جامعه و خانواده و نظام در برابر خدا، خویشتن، افکار عمومی، و تاریخ است. از این زاویه است که امام صادق (ع) در گرامیداشت «حیا» به یکی از شاگردانش فرمود:

«أَنْظُرُ الْآنَ يَا مُفَضَّلُ إِلَى مَا خَصَّ بِهِ الْإِنْسَانَ دُونَ جَمِيعِ الْحَيَوَانَ مِنْ هَذَا الْخُلُقِ الْجَلِيلِ قَدْرُهُ، الْعَظِيمِ غِنَائُهُ، أَعْنَى الْحَيَاءِ: اِی مُفَضَّلُ! اِیْنِکَ بَهِ اِیْنِ وِیْژِکِی حَیَا - کَہ خِداوَنَد اَن رَا تَنهَا اِز اَن اِنْسَانَ سَاخْتَه وَ بَهِ اَو اِرْزَانِی

داشته و حیوانات از آن بی بهره‌اند - نیک بنگر و در ره آورد آن ژرف بیندیش! (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۵). یعنی اگر این ویژگی انسانی نبود، نه حرمت میهمان در جامعه رعایت می‌شد و نه احترام عهد و پیمان‌ها، نه کسی به امانتها بها میداد و نه به وفا و وفاداری و آزادگی و بشردوستی؛ نه کسی در انجام خواسته‌های عادلانه و انسانی دیگران تلاش می‌کرد و نه در جلب نیکیها و ارزش‌ها؛ نه کسی به عمل به قانون و رعایت مقررات افتخار می‌نمود و نه به تلاش در راه آزادی و تأمین حقوق انسان‌ها، نه کسی از ستم و بیداد دوری می‌جست و نه از گناه و زشتی اعلام بیزاری می‌کرد. آری! ویژگی «حیا» از سویی انسان را به کسب ارزش‌ها و انجام نیکیها و رعایت مقررات اجتماعی برمی‌انگیزد و از دگر سو مانع مهم روانی برای قانون شکنی و قانون گریزی و قانون ستیزی است.

امام امیر مؤمنان علی(ع) فرمود: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ لَمْ يَرَ النَّاسُ عَيْبَهُ: هر کس که جامه‌ روپوش زندگی اش حیا باشد، عیب‌ها و لغزش‌های او پنهان می‌ماند». (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸۶)

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «هرکس شرم و حیا نداشته باشد، ایمان و پروا نیز نخواهد داشت و از خدا نیز حیا نخواهد کرد» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۷، ص ۲۱۸)

حضرت خدیجه(س) در زندگی انسان ساز و درس آموزش، نمونه بارز حیا و وقار و احساس مسئولیت بود؛ و این ویژگی اخلاقی و انسانی، این نشان کمال و معنویت، این علامت خردمندی و خردورزی، این سرمایه سعادت و نیک بختی، این اوج کرامت و شرافت، و این منش ماندگار، جاودانه، پرجاذبه و خدایی در زندگی او موج می‌زد. آن بانوی معظمه در زندگی الهام بخش خویش، از آفریدگارش حیا و پروا میکرد که در زندگی و عبادت، اخلاص و امانت، نماز و نیایش، خدا پرستی و مردم خواهی، پروا و تقوا، عدالت و حق طلبی، عفاف و اخلاق، وقار و متانت، آراستگی به ارزش‌ها و پیراستگی از نقاط منفی، دقت در واجبات و رعایت مستحبات و مقررات اجتماعی و تخلق به اخلاق مترقی و خداپسندانه پیشتاز نگردد.

او از همدم و همراه زندگی اش پیامبر(ص) احساس شرمساری می‌کرد که همسر او باشد، اما در میدان‌های افتخار و معنویت، پیشتاز ترین زنان نباشد و با عمل کرد شفاف و پرجاذبه و روشن و نورافشانش، به صورت سند صداقت دعوت، درستی رسالت، کارایی دین و دفتر و نمونه تمام عیار خانواده مورد نظر قرآن و پیامبر(ص) جلوه نکند، به همین جهت هم آن همسر و همراه یگانه و نمونه پیامبر(ص) پیش از فرود آیات هشداردهنده و برنامه هفت ماده‌ای برای خانه و همسران پیامبر(ص) نمونه‌ای از زن نواندیش و پروا پیشه و آراسته به حیا و کمال و احساس مسئولیت بود. او از تاریخ و نسل‌های آینده احساس مسئولیت می‌نمود و خجالت می‌کشید که مسئولیت اجتماعی خویش را واگذرد و در اوج تنهایی همسرش، به یاری او برنخیزد و به او نپیوندد و به او پناه ندهد و روشنگری نکند و اجازه دهد تا آفت تاریک اندیشی، خشونت، سرکوب،

اختناق، حق کشی، ناامنی، آفت مرگبار انحصار و استبداد و پرستش‌های حقارت بار در پیکر جامعه اش همچنان رشد کند و بر خرمن هستی آن بتازد.

او به گونه‌ای بزرگ منش و آراسته به حیا و وقار بود که، با اینکه در روزهای تنهایی و گرفتاری و ناامنی و محرومیت پیامبر(ص) از همه حقوق و آزادی و امنیتش بر اثر فشار استبداد مایه نهاد، و به راه و رسم مترقی او پیوست، و با اینکه پیش از آن، با دست رد زدن به سینه صاحبان ثروت و قدرت، همسری و همراهی پیامبر(ص) را به خاطر معنویت و بزرگ منشی او برگزید، و با اینکه ثروت و امکانات گسترده خویش را نثار قدم او نمود و خود بسان همدم و همراهی باوفا و وزیر و مشاور و کارآمد و فداکار، پا به پای او رنجها و فشارها و زخم زبان‌ها و ناامنی‌ها و اهانتها و تبعیدها و گرسنگی‌ها را به جان پذیرفت و چیزی هم جز خشنودی خدا نجست و نخواست، با این وصف همین بانوی خرد و پروا در واپسین لحظه‌ها که خود را در آستانه مرگ می‌نگریست، بر آن شد تا در زندگی، یک تقاضای مادی و ظاهری از همسر گرانقدر و حق شناس خویش بنماید، اما شگفتا که گویی از طرح بی واسطه آن تقاضا نیز احساس شرم و حیا نمود، به همین جهت طرح آن را به دخت فرزانه اش فاطمه(س) واگذار کرد حضرت فاطمه(س) نیز تقاضای مادر را با پدر در میان نهاد و پیامبر اکرم(ص) نیز خواسته همسر وفادار و فداکار خویش را به انجام رساند و افزون بر پوشاندن جامه بهشت و کفنی که از سوی خدا برای او آمد، «یکی از جامه‌های خویش را نیز بر پیکر او پوشاند و آن پیکر نازنین را در قبرستان «مُعَلّی» در دامنه کوه «حَجُون» بر فراز شهر مکه با مراسمی ویژه به خاک سپرد.» (مجلات، ۱۳۲۹، ج ۲، ص ۴۱۲)

۱۲- حضرت خدیجه الگوی کارایی حجاب

«حضرت خدیجه نه تنها در زمان ظهور اسلام بلکه قبل از آن هم مسأله حجاب را کاملاً رعایت می‌کرد و خود را در معرض دید نامحرمان قرار نمی‌داد، از اینرو در عصر جاهلیت آن حضرت ملقب به «طاهره» شد.» (عسقلانی ۱۲۱۵، ج ۸، ص ۹۹)

و بعد از بعثت پیامبر اکرم(ص) نیز مانند گذشته این سیره و روش را ادامه داد و به سفارش و توصیه پروردگار که خطاب به همسران پیامبر اکرم(ص) فرمود: «قرن فی بیوتکن؛ زنها در خانه هایشان بمانند»، عمل کرد و حتی وقتی که رسول خدا(ص) حسب دستور پروردگار مأموریت پیدا کرد که چهل روز از حضرت خدیجه(س) فاصله بگیرد و به عبادت پردازد، در این مدت نیز در خانه ماند و تخلف از امر پروردگار و پیامبر اکرم(ص) نکرد و پس از اتمام چهل روز وقتی که پیامبر اکرم(ص) به خانه مراجعت کرد و درب خانه را به صدا درآورد، حضرت خدیجه(س) عرضه داشت «کیست کوبنده درب، حق ندارد کسی درب این خانه را بزند جز محمد(ص) رسول خدا(ص): ای خدیجه! درب را باز کن که محمد آمده است.» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۷۸)

بنابراین حضرت خدیجه (س) در طول مدت عمر خود مسأله حجاب و پوشش خود در برابر نامحرم را به خوبی رعایت کرد. از این رو بانوان جامعه ما در رابطه با مسأله حجاب این درس را باید از زندگی نورانی آن حضرت بگیرند و حضرت خدیجه (س) را الگوی خویش در همه ابعاد بویژه در مورد موضوع حجاب قرار دهند.

۱۳- اقدامات منافقان برای تحریف تاریخ زندگی حضرت خدیجه (س)

۱- تا آنجا که توانستند، برای عایشه و حفصه فضیلت و منقبت جعل کردند، تا برای آنان مجال خودنمایی در بین عوام مردم را درست کنند؛ به عنوان مثال: «روایتی، مانند روایت چهارزن برگزیده بهشتی که قبل از این به آن اشاره کردیم را جعل کرده و در آن، به نقل از رسول خدا (ص)، عایشه را افضل زنان عالم معرفی کردند» (متقی هندی، ۹۷۵، ج ۱۲، ص ۱۴۴) حال آنکه آنان از فهم این مطلب، غافل بودند که حب و بغض یا تعریف و تقبیح پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، مانند بسیاری از افراد بشر، برگرفته از امیال مادری و غرایز بشری نیست؛ بلکه این تعریفات و ابراز محبت‌ها و یا تقبیحات و اظهار ناخشنودی‌ها، تنها و تنها بایک معیار انجام شده و آن معیار تقواست. پس بسیار واضح است که «معیاری، جز تقوا را درتایید یا رد افراد داشته باشند.» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

اکنون قضاوت در این مورد بسیار آسان است که، آیا عایشه ای که به تصریح اکثر علمای اهل سنت، بارها اسباب اذیت و آزار پیامبر خدا (ص) را فراهم کرد! عایشه‌ای که بعد از شهادت پیامبر اکرم (ص)، نه تنها سفارشات آن حضرت درباره مودت نسبت به ذوی القربی رعایت نکرد، بلکه به جنگ با امیرالمومنین علی (ع) برخاست. آیا هیچ انسانی باور می‌کند، پیامبری که علم به گذشته و آینده دارد عایشه را سیده زنان عالم معرفی و از به عنوان یکی از چهار زن بهشتی یاد نموده باشد؟!

۲- در چینه‌های زندگی حضرت خدیجه (س) دست بردند و آن را به نحو دلخواه خود عوض کردند و آن گونه که مطابق مصالحشان بود، ایشان را به مسلمین معرفی کردند.

۳- تا آنجا که توانستند، فضایل و مناقب ایشان را حذف نمودند یا به دیگران نسبت دادند تا از فروغ جلوات ایشان نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند.

این سه مورد، از مهم ترین اقدامات منافقین در مسیر تحریف تاریخ زندگی حضرت خدیجه کبری (س) است. نتیجه این اقدامات، ورود تحریفات عدیده در تاریخ زندگی آن بزرگوار است. لازم است به این نکته نیز اذعان نمود که این اقدامات، نتایج بسیار زیادی در تاریخ صدر اسلام برجای گذارد.

نتیجه گیری

بررسی و نقد موقعیت ازدواج حضرت خدیجه در تاریخ حکایت از این دارد، که منافقان دست به تحریف در زندگی حضرت خدیجه (س) زدند. ولی باتوجه به روایات معتبر و کتوب تاریخی معتبر دیگر، این دروغ‌های وصله شده به حضرت خدیجه (س) را بی اثر کرده است، و آنگونه که دشمنان ایشان سن این بانوی گرامی را، بیشتر از حضرت محمد (ص) نقل کرده‌اند نبوده، و ایشان باکره و قبل پیامبر با کسی ازدواج ننموده‌اند. و کاملاً شرایط یک دختر با کمالات را برای ازدواج داشته است. و همچنین حضرت خدیجه (س) جزو چهار زن بهستی و دارای فضایل بسیاری بوده است که اهل تسنن برای بالا بردن مقام عایشه به آن اشاره نکرده‌اند. و حتی سعی در حذف و انحراف فضایل ایشان داشته‌اند، ولی به اهداف خود نرسیده‌اند.

منابع

• قرآن مجید.

۱. ابن اثیر، (۶۳۰ق)، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن حدید، محمد، (۶۵۶ق)، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث.
۳. ابن عساکر، (۵۷۱ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۶۳۰ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. احمدالنویری، شهاب الدین، (۱۹۵۱)، نهیة الاراب فی فنون الادب، مؤسسه انتشار امیر کبیر.
۶. الاردبیلی الغروی الحائری، محمد، (۱۴۰۳)، مع الرواء وازاحه الاشتباهات عن الطرق، لبنان: دارالاضواء.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۲۵۶ق)، صحیح البخاری، بیروت.
۸. بلاذری، ابوالعباس، (۲۷۹ق)، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
۹. بیهقی، ابوبکر احمد، (۴۵۸ق)، دلائل النبوه و معرفة احوال صاحب الشریعة، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. تهرانی، حسین، (۱۳۹۴)، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (س)، چاپ پنجم، قم: طوبای محبت.
۱۱. توفیق، ابوعلم، (۱۳۷۴)، فاطمة الزهراء، ناشرچاپی امیر کبیر.
۱۲. حائری مازندرانی، محمدمهدی، (۱۳۸۷)، شجره طوبی، ناشر مکتبه الحیدریه.
۱۳. خادمی، محمدحسن، نامداری مقدم، رقیه، (۱۳۸۷)، پژوهشی درباره ازدواج‌های پیامبر اعظم (ص) رسول مهر، چاپ چهارم، تهران: نیل برگ.
۱۴. خدامیان آرنی، مهدی، (۱۳۹۲)، بانوی چشمه، چاپ چهارم، قم: چاپ وثوق.
۱۵. دمشقی، شهاب الدین، (۱۰۸۹ق)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: چاپ قاهره.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات روزنه.

۱۷. ذهبی، شمس الدین، (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، چاپ اول، لبنان: دارالمعرفه.
۱۸. زرقانی، محمد بن عبدالباقی، *شرح المواهب الدینیة*، مؤسسه دارالکتاب العلمیه.
۱۹. زنجانی، شیخ موسی، (۱۳۲۸)، *الجامع فی الرجال*، قم.
۲۰. شافی، ابوالقاسم، (۵۷۱ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دارالفکر.
۲۱. شهر آشوب، مشیر الدین ابو عبدالله، (۱۴۱۲ق)، *المناقب آل ابی طالب*، بیروت: دارالاضواء.
۲۲. شوشتری، محمد تقی، (۱۳۷۸) *قاموس الرجال*، چاپ سوم.
۲۳. عاملی، مرتضی، (۱۴۱۹)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، قم: انتشارات دارالحديث.
۲۴. العسقلانی، احمد، (۱۲۱۵ق)، *تهذب التهذيب*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. قریشی، باقر شریف، (۱۳۹۵)، *ام المؤمنین حضرت خدیجه (س)*، قم: مؤسسه دارالتهذیب.
۲۶. قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، بیروت: مؤسسه دارالکتاب علمیه.
۲۷. قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۶)، *سفینة البحار و مدینة الحكم و الاثار*، چاپ دوم قم: دارالاسوة للطباعة و النشر.
۲۸. کاتب الواقدی، محمد بن سعد، (۲۳۰ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
۲۹. کثیر دمشقی الشافی، اسماعیل، (۷۷۴ق)، *البداية النهایة*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۰. کحاله، عمر رضا، (۱۳۷۹)، *اعلام النساء*، دمشق: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳۱. کلی، ابومنذر بن هشام، *السيرة النبویه*.
۳۲. مامقانی، عبدالله بن محمد حسین، (۱۳۵۰)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، چاپ اول، مؤسسه آل البيت (ع).
۳۳. متقی هندی، (۹۷۵ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، چاپ اول بیروت: مکتب تراث الاسلامی.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۸)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۵. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۲۹)، *ریاحین الشریعة فی احوال النساء الشیعه*.
۳۶. محمدی اشتهااردی، محمد، (۱۳۷۷)، *حضرت خدیجه (س) اسطوره ایثار و مقاومت*، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات نبوت.
۳۷. مؤلف مجهول، (۱۳۶۶)، *تاریخ سیستان*، تحقیق ملک الشعراى بهار، تهران: مؤسسه پدیده.
۳۸. واردی، تقی، (۱۳۸۸)، *نقش همسران رسول خدا(ص) در حکومت امیرالمؤمنان(ع)*، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان.
۳۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور.